پيش‌نويس راهبردهاي جمعيت دفاع از ملّت فلسطين

# اصطلاحات و تعاريف

## چشم‌انداز

هر نهادي براي دستيابي به آرمان‌هاي خود بايستي «راهنماي عمل» داشته باشد, اين راهنماي عمل به زبان برنامه, سند چشم‌انداز است. چشم‌انداز ما را به ساحتي مطلوب با توجه به امكانات، فرصت‌ها و محدوديت‌ها رهنمون مي‌سازد.

چشم‌انداز، عبارت است از ارائه گزاره‌هايي خردمندانه درباره آينده و تفسير اين گزاره‌ها به گونه‌اي كه به عمل آگاهانه و به فرآيندهاي يادگيري جمعي و پاسخ‌گويي به چالش‌هاي آينده كمك نمايد. در ارائه اين گزاره‌ها، چشم‌انداز، بر آميزه‌اي از ارزش‌داوري‌هاي مبتني بر ايدئولوژي نظام و واقعيت‌هاي اجتماعي، فرهنگي و اقتصادي جامعه تكيه دارد.

چشم‌اندازها به همان ميزان كه از لحاظ دامنه زماني، از حال حاضر فاصله مي‌گيرند و به سوي آينده بسط مي‌يابند، براي دفاع از خود، از مباني نظري و تئوري‌هاي متعارف و شناخته شده نيز فاصله مي‌گيرند و بيشتر بر پايه تركيبي از «اصول و ارزش‌ها» يا «باورها و اميدهاي» طراحان و تصميم‌گيران ذي‌ربط استوار مي‌گردند.

چشم‌انداز نوعي پيش‌بيني است و با آينده سر و كار دارد، ولي فراتر از يك پيش‌بيني ساده، دربرگيرنده شبكه‌سازي‌ها و آماده‌سازي‌هاي مربوط به تصميم‌گيري درباره آينده است. پيش‌بيني، تنها برآوردي از آينده است و خطي بودن سير امور در پيش‌بيني‌ها، يك فرض پذيرفته شده مي‌باشد، در حالي كه سير امور لزوماً خطي نيست و داراي حلقه‌هاي بازخوردي بي‌شماري است. زيرا پيش‌بيني، پس از تجزيه و تحليل گزينه‌هاي زيادي از آينده و تعريف و انتخاب آينده‌هاي ممكن، پايان مي‌پذيرد و نتايج حاصل از پيش‌بيني، متضمن پيامي براي زمان حال نيست. امّا چشم‏انداز به منظور دستيابي به گزاره‌هاي قابل تبديل به سياست‌هاي عملياتي در زمان حال تدوين مي‏شود، تا بتواند راه‌حلي براي رسيدن به آينده مطلوب به شمار رود.

اگر چه تحقق هر چشم‌اندازي از وضع موجود و حال آغاز مي‌شود، ولي تدوين چشم‌اندازها همواره با ‌اين پيش‌فرض آغاز مي‌گردد كه تحولات ساختاري و شكل‌گيري شرايطي كاملاً متفاوت از وضع موجود، در دوره زماني يك چشم‌انداز، امكان‌پذير و به اندازه كافي اميد بخش و برانگيزاننده است. بنابراين در واقعيت‌هاي جامعه هدف متوقف نشده و بي‌باكانه به سوي آرمان‌هاي خوش‌بينانه نهاد مورد نظر بال مي‌گشايد.

چشم‌انداز چون آميزه‌اي از ارزش‌داوري‌‌هاي مبتني بر ايدئولوژي و واقعيت‌هاي اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي و زيست‌محيطي جامعه است، با توجه به اين‌كه ايدئولوژي‌ها و نگرش‌هاي مختلف و متفاوت، آينده‌هاي متفاوتي ترسيم مي‌كنند، نخستين گام در پويش برنامه‌ريزي بلندمدت و آينده‌نگري، پذيرش چشم‌انداز واحدي است كه تصوير سازگاري از آينده ممكن و مطلوب ترسيم نمايد. به عبارت ديگر، هدف نهايي چشم‌انداز، معطوف به تبيين گزينش‌هاي استراتژيك و جهت‌هاي اصلي تحولات ساختاري- نهادي و ارائه عرصه‌هاي انتخاب، براي تدوين برنامه‌هاي ميان‌مدت در مسير حركت به طرف جامعه آرماني است.

## اهداف آرماني

چشم‏انداز، «بياني كلّي» از آرمان‌هاست. اين بيان كلّي در گام بعد، براي نزديك شدن به عرصه عملكرد بايد تفصيل يافته و تبديل به گزاره‌هايي روشن و قابل فهم شوند. هر چقدر چشم‏انداز به دليل نگاه رو به آينده خود، دور از دسترس و دست‌نيافتني به نظر مي‌رسد، اهداف آرماني بايد قابل وصول و دست‌يافتني باشند و انگيزه‌ها را براي حركت در مسير تحقق جلب نمايند.

اهداف آرماني، برگرفته از تصوير مطلوب چشم‌انداز بلندمدت است, بيان انتظارات و مقاصدي دست‌يافتني كه تحقق آن در گرو وفاق عمومي, اراده جمعي و تلاش خستگي‌ناپذير خواهد بود. هدف‌هاي آرماني بايد از ويژگي‌هاي زير برخوردار باشند:

1. جامع, تحول‌گرا, آينده‌نگر و پويا
2. بيانگر خصوصيات و ويژگي‌هاي اصلي آينده و ارزش‌ها و آرمان‌ها
3. برخاسته از نيازهاي اساسي، در تحقق چشم‌انداز
4. توانايي ايجاد وفاق عمومي و انگيزه براي مشاركت جمعي
5. پاسخگوي مؤلفه‌هاي «قوت و فرصت» و رافع «نقاط ضعف و تهديد»
6. و در يك دوره بلندمدت پايدار باشند.

## اصول راهبردي

مسائل راهبردي مسائلي هستند که با در نظر گرفتن آرمان، رسالت، چشم‌انداز و سياست‌هاي کلّي و شناخت راهبردي که از مطالعه عوامل کليدي مؤثر بر عملکرد در محيط دروني و بيروني به دست آمده، مطرح مي شوند. در واقع مسائل راهبردي، مسائلي هستند که بدون چاره‌انديشي براي آن‌ها، تحقق رسالت، چشم‌انداز و اهداف و اعمال سياست‌هاي کلّي با چالش‌هاي اساسي و جدّي روبرو خواهد شد.

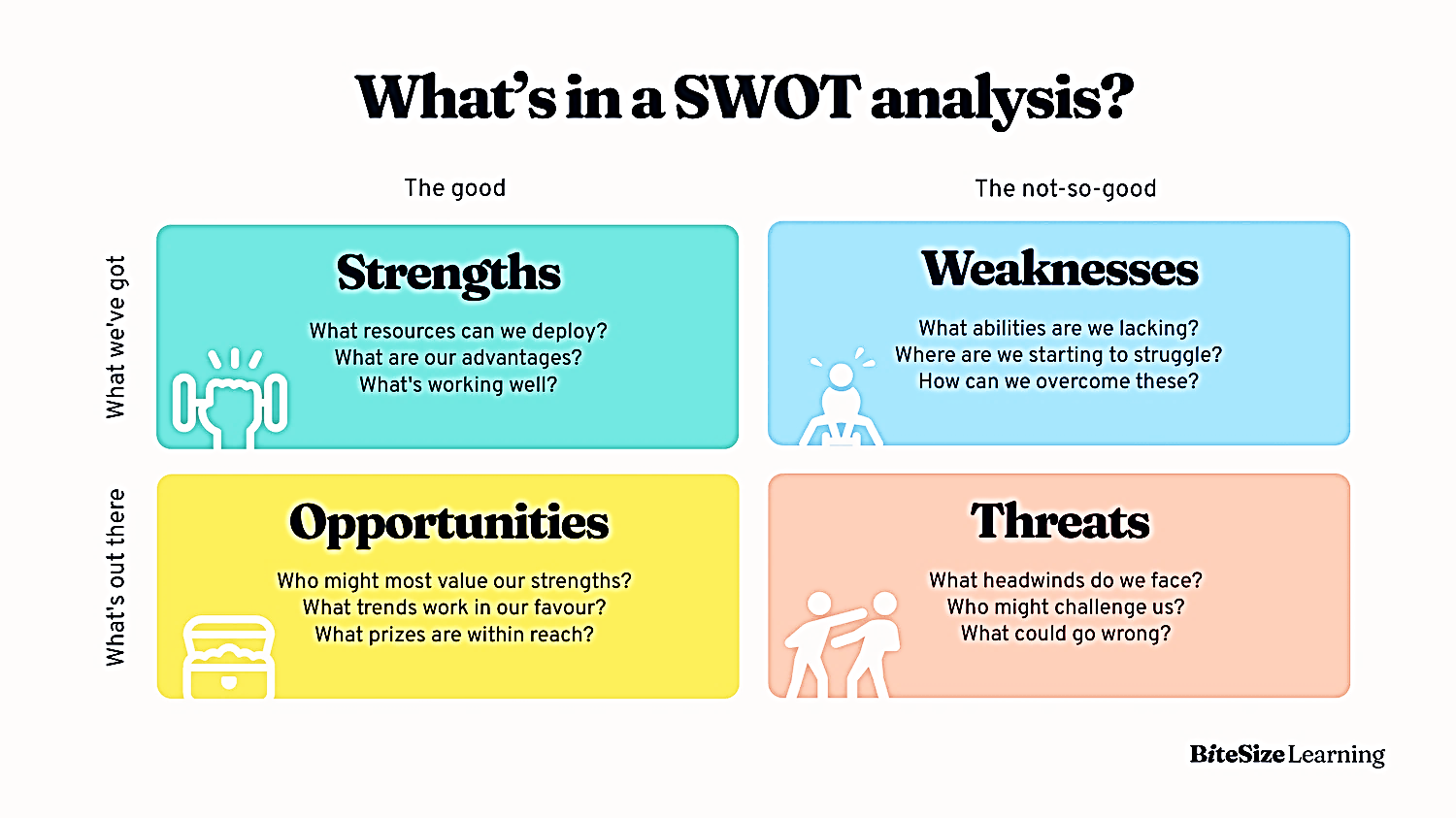
يک مسأله را وقتي اساسي و راهبردي تلقي مي‌کنيم که دربردارنده ويژگي‌هاي زير باشد:

1. با يکي از عواملي که اهميت راهبردي دارد، ارتباط وثيق و غيرقابل چشم‌پوشي داشته باشد. مانند رابطه مسأله با رسالت، چشم‌انداز، اهداف راهبردي و سياست‌هاي راهبردي و اساسي.
2. با توجه به حيطه فعاليت، يک پرسش اساسي را مطرح سازد که مديران و خط‌مشي‌گذاران لاجرم بايد پاسخ روشن، منطقي و قانع‌کننده‌اي براي آن داشته باشند.
3. پيامدهاي مثبت يا منفي مشخص، مهم و تعيين‌کننده‌اي در پي داشته باشد.

اصول راهبردي از ميان مسائل راهبردي گزينش مي‌شود و چارچوبي است كه مجموعه حركات و اقدام‌هاي اصلي براي دستيابي به اهداف ترسيم شده و نظام كلي اولويت‌گذاري را براي به دست آوردن موقعيت‌هاي مطلوب و خنثي كردن تهديدها، در حال و آينده بيان مي‌دارد. تدوين استراتژي و اصول راهبردي مستلزم تبعيّت از جهت‌گيري مطروحه در گزاره‌هاي اهداف آرماني است كه به نوبه خود از جهت‏گيري كلّي سند چشم‏انداز برآمده است.

اصول راهبردي مباني و معيارهايي را در اختيار مديريت خواهد گذاشت كه توان اجرايي و امكان برخورد بهينه با تغييرات محيطي را فراهم مي‌سازد.

از اين رو، براي تدوين اصول راهبردي، ابتدا بايد واقعيت‌هاي بيروني و دروني را تحليل و بررسي كرد و از سنجش نسبت‌هاي موجود ميان «قوت و ضعف» دروني با «فرصت‌ها و تهديدات» بيروني، گزاره‌هايي اصولي و راهبردي به دست آورد. اين گزاره‌ها روشن خواهد ساخت چه برتري‌هايي براي غلبه بر چه موانعي بايد مورد توجه مديران در برنامه‌ريزي‌ها قرار بگيرند. اين مدل در شناسايي راهبردها را اصطلاحاً SWOT مي‌نامند كه برگرفته از چهار عنوان «Strengths»، «Weaknesses»، «Opportunities» و «Threats» است.



در حقيقت، دستيابي به اصول راهبردي، گامي در راستاي نزديك‌تر كردن آرمان‌هاي مطروحه در سند چشم‏انداز به واقعيت‌هاي عيني است. لذا چشم‏انداز و اهداف آرماني را گامي در «طرح‌ريزي وضع مطلوب» و اصول راهبردي را قدمي در راستاي «تحليل وضع موجود» مي‏دانيم.

# طرح‌ريزي وضع مطلوب

برنامه‏ريزي براي هر نهاد و سازماني، از كوچك‌ترين نهادها مانند يك شركت تجاري خُرد گرفته، تا بزرگ‌ترين نهادهاي اجتماعي مانند يك كشور يا ملّت و حتي عائله بشري در قالب سازمان ملل، لاجرم از الگوي وضعيت «موجود، مطلوب، انتقال» تبعيّت مي‏كند. مادامي‌كه وضعيت فعلي و حال نهاد بررسي و تحليل نشود و وضعيت مطلوب مورد انتظار و متوقّع از آن ترسيم نگردد، امكان برنامه‌ريزي براي «انتقال» ممكن نخواهد بود.

چشم‏انداز و نقشه تفصيلي آن، يعني اهداف آرماني، متكفّل ترسيم وضعيت مطلوب نهاد هدف مي‏باشند و براي دستيابي به توصيفات كلّي و كيفي آن وضعيت تدوين مي‏گردند.

از اين رو در سند راهبري، «طرح‌ريزي وضع مطلوب» را گام نخست و مقدّم بر «تحليل وضع موجود» قرار مي‏دهيم. سبب اصلي تقدّم «ترسيم مطلوب» بر «تحليل موجود»، اصل بودن مقصد در حركت است. در حركت، بي‌ترديد، مقصد اصل است و حركت تنها وسيله‌اي براي دستيابي به مقصد است. حركت به خودي خود اصالت نداشته و تابع مقصد تعريف مي‏شود. با توجه به اين‏كه هدف از حركت، پيشرفت و تعالي است و مفروض بديهي بر اين استوار است كه مقصد كامل‌تر از مبدأ است، براي تكامل، مبدأ نازل‌تر از مقصد تصور مي‏شود. بر اين اساس، ابتدا وضع مطلوب توصيف شده و سپس موجوديت هدف تحليل مي‏شود و براي فرار از ناهنجاري‌ها و عدم تعادل‌هاي موجود در شرايط حال و تبديل آن به مرتبه‌اي برتر و أعلي، برنامه حركت و انتقال توليد مي‏گردد.

در يك تجزيه و تحليل دقيق مي‌توان ترسيم وضعيت مطلوب را تلاشي سيستماتيك متكي بر «باورها» در مسير تحقق «اميدها» دانست. از اين رو، پيش از تدوين سند چشم‏انداز و تبيين اهداف آرماني، بايستي باورها كه حاكي از مطلوبيّت‌ها و اميدها كه حاكي از دست‌يافتني‌هاست تبيين شده و توصيف گردند.

## باورها

1. آرمان‌هاي حضرت امام خميني (ره) و مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) درباره فلسطين همان آرمان مشترك امّت اسلامي است.
2. مقاومت تنها راه نجات است و سازش به سرانجام نمي‌رسد.
3. همه ملّت‌هاي آزاده جهان، در صورت آگاهي حامي مردم مظلوم فلسطين خواهند بود.
4. امپرياليسم جهاني قادر نيست اين حجم از مظلوميت را پنهان كند.
5. تكليف ملّت‌ها از دولت‌هاي دست‌نشانده جداست.
6. كشورهاي غربي به دليل منافع خود از رژيم غاصب حمايت مي‌كنند و اگر اين منافع مسدود شود، عقب‌نشيني خواهند كرد.
7. كشورهاي غربي زير ماسك حقوق بشر و آزادي پنهان شده‌اند و در صورت افشاي ماهيت رژيم اشغالگر نمي‌توانند به حمايت آشكار از آن ادامه دهند.
8. با تلاش‌هاي فرهنگي و سياسي و حقوقي مي‌توان عزم جهاني را براي دفاع از ملّت مظلوم فلسطين جزم كرد.
9. راه نجات ملّت مظلوم فلسطين از اتحاد ملّت‌هاي مسلمان، همبستگي و وحدت مذهبي مي‌گذرد و در گرو صرف نظر از اختلافات است.
10. با رأي‌گيري و همه‌پرسي عمومي از ملّت فلسطين مي‌توان به يك دولت متحد ملّي دست يافت كه پيروان همه اديان و مذاهب در كنار هم با آسايش و آزادي زندگي كنند.

## اميدها

1. خداوند حامي مظلومان جهان است و قطعاً خون بر شمشير پيروز است.
2. زور و قلدري هر رژيمي دوام ندارد و لاجرم با آگاهي و مقاومت پايان خواهد يافت.
3. ملّت فلسطين در صورت اقتدار به سرزمين مادري خود باز خواهند گشت.
4. ملّت فلسطين هر روز بيش از پيش به مقاومت روي خواهند آورد.
5. آگاهي‌بخشي و بيان تاريخ و نشان دادن شكست‌هاي نظريه سازش عزم ملّت فلسطين را قوي خواهد كرد.
6. جنايتكاران رژيم صهيونيستي در دادگاه‌هاي بين‌المللي محاكمه خواهند شد.
7. دولت‌هاي غربي براي هميشه نمي‌توانند از جنايت‌هاي رژيم غاصب حمايت كنند و ناگزير به عقب‌نشيني خواهند بود.
8. شعار دموكراسي كه ظاهرسازي دولت‌هاي غربي است عليه ظلم صهيوني عمل كرده، آن‌ها را به بن‌بست مي‌كشاند و مجبور خواهند شد در برابر آگاهي ملّت‌هاي جهان تسليم شوند.
9. مهارت‌افزايي جوانان فلسطيني آن‌ها را براي تصدّي مسئوليت‌هاي آتي كشورشان آماده خواهد كرد.
10. ايجاد تشكّل‌هاي حقوقي و اجتماعي به هم‌گرايي و همسويي حاميان ملّت فلسطين كمك مي‌كند.

## چشم‏انداز

با اتکال به قدرت لايزال الهي و در پرتو ايمان به خداي متعال و وعده‌هاي صادق پروردگار بر حتمي بودن غلبه نهايي خون بر شمشير و پيروزي مظلوم بر ظالم و آگاهي از ناتواني كفر جهاني در مقابل جبهه مقاومت اسلامي با کوشش برنامه‌ريزي شده و مدبّرانه جمعي، جمعيت دفاع از ملّت فلسطين در افق 1414 هجري شمسي نهادي است توانمند در پاسداري از اصول، ارزش‌ها و آرمان‌هاي حضرت امام خميني (ره) و مقام معظّم رهبري (حفظه‌الله) درباره فلسطين به‌عنوان آرمان‌هاي مشترك امّت اسلامي و حمايت از مبارزات ملت فلسطين با اقتداربخشي و توانمندسازي ملت فلسطين به‌منظور:

1. بازگشت آوارگان فلسطيني به سرزمين مادري خويش
2. آزادسازي قدس شريف
3. تشكيل حكومت مستقل فلسطيني مبتني بر خواست فلسطينيان اعم از: مسلمان، مسيحي و يهودي
4. جلب حمايت مردم ايران و جهان و دولت‌ها
5. پيگيري مطالبات مردم فلسطين در مجامع بين‌المللي براي احقاق حقوق مادي و معنوي ملت فلسطين
6. محاكمه جنايتكاران صهيونيست در مراجع صالحه
7. مقابله با توطئه‌هاي حاميان بين‌المللي رژيم صهيونيستي به‌ويژه دولت آمريكا و صهيونيزم جهاني در خصوص ملّت فلسطين

## اهداف آرماني

1. رساندن پيام مظلوميت مردم فلسطين به گوش جهانيان
2. تلاش براي رشد معنوي، اخلاقي، فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي ملت فلسطين با تأكيد بر نقش جوانان، نوجوانان و نيروهاي مولّد و تمهيد حضور گسترده و سامان‌يافته آنان در عرصه‌هاي مختلف احقاق حقوق ملت فلسطين
3. كمك به تقويت هويت ملي فلسطيني در ميان فلسطينيان، مردم مسلمان و جامعه بين‌الملل
4. افشاي هويت رژيم صهيونيستي و نامشروع بودن آن و عدم امكان ملّت‌سازي تحميلي اسرائيل و حمايت از موضع حضرت امام خميني (ره) مبني بر ضرورت نابودي رژيم صهيونيستي
5. كمك به تقويت و پاسداري از قداست قدس شريف و احياء ‌آداب و سنن و پيشينه تاريخي
6. كمك به تجهيز مادي و تأمين امكانات عمومي براي تداوم حيات ملي مردم فلسطين اعم از اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي، فني و علمي
7. كمك به تجهيز مديران آينده‌پرداز براي حكومت آتي مردم فلسطين و نيز طراحي و تدوين و پياده‌سازي قوانين و مقررات بين‌المللي براي حمايت از حقوق مردم فلسطين و امور نرم‌افزاري براي ساماندهي دولت آتي فلسطين و يكپارچگي و وحدت مديريت مبارزات مردم فلسطين
8. كمك به تدوين دكترين تحقق آرمان‌هاي فلسطين، تبيين خطوط قرمز و منافع ملي ملت فلسطين
9. كمك به رفع موانع سياسي و بهره‌گيري از فرصت‌هاي بين‌المللي براي احقاق حقوق مردم فلسطين
10. كمك به تجهيز نيروي انساني با اعتقادات توحيدي علوم و فنون روزآمد و حمايت‌هاي اجتماعي براي توسعه منابع انساني ملت فلسطين
11. پيگيري محاكمه سران جنايتكار رژيم صهيونيستي و جنايتكاران جنگي اسراييلي در مراجع بين‌المللي
12. افشا و مقابله با توطئه‌هاي استكبار جهاني به‌ويژه دولت امريكا و صهيونيزم بين‌الملل در مورد ملت فلسطين
13. كمك به تدارك نيروي انساني براي تداوم مبارزات مردمي ملت فلسطين
14. تلاش براي رشد و تعالي، تعليم و تربيت نيروي انساني و مديران كارآمد و شايسته و گسترش نظام مشاركت فلسطينيان در فرآيند توسعه فرهنگي- اجتماعي و اقتصادي ملت فلسطين
15. پشتيباني لازم از نيروهاي وفادار به آرمان‌هاي ملت فلسطين از طُرق مختلف و از جمله سامان‌دادن تشكّل‌هاي مختلف مردمي و غيردولتي به صورت مستقل يا وابسته
16. تلاش براي تبيين پيام مبارزات ملت فلسطين از طريق اشاعه و ترويج آرمان‌ها و دستاوردهاي گوناگون آن براي نسل جوان ايران و جهان به زبان روز و علمي و مبارزه با آموزه‌هاي غلط و مفاهيم و تفكرات انحرافي
17. تلاش براي شناخت تحولات بين‌المللي اعم از: سياسي، فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي و اتخاذ مواضع صحيح در اين قلمرو به منظور تأمين هر چه بيشتر منافع ملي ملت فلسطين
18. مشاركت در اصلاح و رفع ناهنجاري‌هاي فرهنگي، اجتماعي اقتصادي دامن‌گير ملت فلسطين
19. حمايت و ايجاد ارتباط با تشكّل‌هايي كه در ديگر كشورها به‌ويژه در كشورهاي اسلامي اصول و مرامنامه جمعيت را پذيرفته و قصد همكاري داشته باشند
20. تأسيس رسانه‌هاي مناسب و روزآمد براي اطلاع‌رساني و اعلام نظرات جمعيت
21. تأسيس انواع تشكّل‌ها و شخصيت‌هاي حقوقي مطابق قوانين جاري، قانون تجاري و ساير ضوابط و مقررات قانوني و تحت نظارت مراجع ذي‌ربط

# تحليل وضع موجود

پس از آن‏كه خواسته‌هاي آرماني جمعيت دفاع از ملّت فلسطين روشن شد و دورنمايي از آن‏چه پيش‌روست ترسيم گشت، نوبت به تحليل وضعيتي مي‌رسد كه جمعيت در آن گام بر مي‏دارد و نفس مي‏كشد. در اين گام تلاش بر اين است تا واقعيت‌ها آن‌گونه بيان گردد كه «هست»، نه آن‌گونه كه «انتظار» داريم باشد.

## الزام‌ها

1. پذيرش ضوابط بين‌المللي در جهت فراهم شدن امكان استفاده از قدرت نهادهاي حاكم
2. احترام به قوانين كشورها در راستاي قانوني بودن تشكّل‌هاي تأسيس‌شده و مورد حمايت
3. پرهيز از موضع‌گيري‌هاي مخالف وحدت
4. صبر و استقامت و دوري از تصميمات و اقدامات محاسبه‌نشده
5. ثبت قانوني و فعاليت رسمي و آشكار تمامي نهادهاي وابسته به جمعيت
6. محوريّت اخلاق و ادب اسلامي در مواجهه با مخالف و موافق
7. مراعات ظرفيت‌هاي ملّت‌ها و تحمّل و صبوري در مسير رشد و آگاهي
8. مدارا و حل منازعات و اختلافات بر سر روش‌ها با تكيه بر اهداف و آرمان‌هاي مشترك
9. يكسان‌سازي و همسونمودن مواضع تمامي اعضا در رسانه‌ها
10. حركت در مسير تبديل همدلي در آرمان‌هاي مشترك به همفكري و اتفاق نظر در روش‌ها و برنامه‌ها
11. استفاده گسترده از رسانه‌هاي عمومي و ارتباط جمعي
12. بهره‌گيري از فناوري‌هاي نوپديد فضاي مجازي و هوش مصنوعي

## امتيازها و محدوديت‌ها

با نگاهي ارزشي به الزام‌ها، بعضي امتياز به شمار مي‌روند و بعضي محدوديت. مادامي‌كه امكان تغيير الزام‌ها وجود نداشته باشد، در كوتاه‌مدت بايد امتيازها را با نگاهي مثبت به كار گرفت و محدوديت‌ها را صبورانه با راه‌حل‌هايي موقتي تبديل به گذرگاهي براي عبور نمود.

اگر چه تبعيّت از قوانين بين‌المللي و برخي ضوابط ملّي كشورها مي‌تواند دشوار و آسيب‌زننده باشد، ولي به عنوان يك محدوديت بايد پذيرفت، زيرا فعاليت جمعيت و تشكّل‌هاي وابسته به آن در جهان وابسته به اين پذيرش و احترام به اين قوانين است.

مواردي مانند: صداقت، احترام به تمامي اديان و مذاهب، ادب و اخلاق اسلامي از امتيازاتي است كه جمعيت به‌دليل ابتنا بر آموزه‌هاي اسلامي دارد و بر سرعت تحقّق آرمان‌ها مي‌افزايد. همچنين دسترسي به متخصصان و كارشناسان مسلمان در عرصه‌هاي مختلف رسانه و فناوري.

## روند دستيابي به اصول راهبردي

راهبردها حرکت‌دهنده توانايي‌ها و بيان‌کننده راه‌هاي رسيدن از وضع موجود به وضع مطلوب هستند. راهبردها در واقع چيستي، چرايي و چگونگي اقدامات اصولي و اساسي را مشخص مي‌سازند و بر فضاي فکري، کاري و فرآيندهاي تصميم‌سازي، تصميم‌گيري و برنامه‏ريزي احاطه کامل دارند.

راهبردها را از آن رو «اصول» مي‌ناميم كه به‌عنوان مفروضاتي قطعي بايد در تمامي مراحل برنامه‏ريزي‌هاي آتي حفظ شده و لحاظ گردند.

نخستين پرسشي كه در تدوين اصول راهبردي با آن مواجه هستيم اين است كه براي انجام رسالت و مأموريت خود در راستاي چشم‌انداز ترسيم‌شده در چه وضعيتي قرار داريم؟ براي پاسخ به اين پرسش، ابتدا بايد پاسخ‌هاي معتبر و قابل اتکايي براي پرسش‌هاي فرعي ذيل به دست آوريم:

1. در محيط دروني، براي تحقق چشم‌انداز، چه توانايي‌ها و قوت‌ها، شايستگي‌هاي برجسته و مزيّت‌هاي قابل توجهي وجود دارد که مي‌توان به آن‌ها تکيه کرد؟
2. در محيط دروني، با چه ناتواني‌ها، آسيب‌پذيري‌ها و ضعف‌هايي مواجه هستيم که مانع دست‌يابي به اهداف آرماني مي‏شوند؟
3. در محيط بيروني، چه فرصت‌هايي وجود دارد که براي تحقق چشم‌انداز بايد از آن‌ها بهره‌گيري کرد؟
4. در محيط بيروني، چه تهديدهايي وجود دارد که بايد از آن‌ها دوري گزيد و يا براي برخورد با آن‌ها چاره‌جويي کرد؟

براي پاسخ به پرسش‌هاي فرعي فوق ناگزير به شناسايي دو دسته از عوامل هستيم؛ عوامل بيروني که بر آن‌ها اشراف و کنترل نداريم و عوامل دروني که بر آن‌ها اشراف و کنترل داريم. عوامل دسته اول «فرصت‌ها و تهديدها» ناميده مي‏شود و عوامل دسته دوم «قوت‌ها و ضعف‌ها». پس از شناسايي و ارزيابي اين دو دسته از عوامل، مي‏توان به ارزيابي موقعيت و اقدام پرداخت و به اصول راهبردي دست يافت.

## زمينه‌هاي دروني

هر سازمان يا نهادي متشكل از مجموعه‌اي منابع با ارزش است، شامل: دارايي‌هاي پايه، قابليت‌ها، شايستگي‌ها و فرآيندهايي كه با اتكا بر آن‏ها به توليد محصول يا ارائه خدمات مي‏پردازد. از نگاه سيستمي، اين منابع شامل چهار بُعد مي‌شود: دروندادها، فرآيندها، بروندادها و بازخوردها. بنابراين، در مطالعه محيط دروني، مطالعه اين ابعاد چهارگانه در سطح کلان ضروري است.

بر اين اساس، مهم‌ترين زمينه‌هاي شرايط دروني که مي‌توانند حاوي نقاط قوت يا ضعف باشند عبارتند از:

1. رسالت، مأموريت، چشم‌انداز و اهداف تعيين‌شده
2. ساختار سازماني و ويژگي‌هاي آن
3. ساختار منابع انساني و نظام مديريت منابع انساني، شامل: جذب‌، گزينش‌، سازماندهي و به‌کارگيري، آموزش و به‌سازي، نظام نگهداري و جبران خدمت
4. فرآيندهاي مديريت و رهبري، مانند: برنامه‌ريزي، سازماندهي، انگيزش و رهبري، نظارت و کنترل.
5. فرهنگ سازماني و ضريب هم‌پوشاني فرهنگ مطلوب با فرهنگ موجود
6. سرمايه اجتماعي سازمان، شامل: کميت، کيفيت، سطح و عمق تعامل‌ها و ارتباطات طولي و عرضي واحدهاي وظيفه‌اي و بخش‌هاي اصلي با يكديگر
7. نظام مديريت دانش و اطلاعات، سيستم‌هاي گردآوري و پردازش اطلاعات
8. پراکنش جغرافيايي و موضوعي واحدها، خدمات و فعاليت‌ها
9. منابع مالي و نظام تخصيص و جذب آن

## قوّت‌ها

بر اساس عناوين فوق، قوّت‌هاي جمعيت دفاع از ملّت فلسطين را مي‌توان اين موارد دانست:

1. همدلي و اتفاق همه اعضا بر حمايت از ملّت فلسطين
2. ايمان به خداي متعال و امداد قطعي او از مظلوم
3. روحيه شهادت‌طلبي و شجاعت
4. تجربه و سابقه مبارزاتي و آگاهي از روش‌هاي آن
5. حضور بزرگان و اعضاي داراي مقبوليت اجتماعي و سياسي و فرهنگي
6. ساختار و تشكيلات سازماني رسمي و ثبت شده
7. وجود حاميان فراوان و مرتبط با جمعيت
8. ارتباط با افراد ذي‌نفوذ در عرصه بين‌الملل و در كشورهاي جهان
9. مبتني بودن تصميمات بر يك مجمع عمومي گسترده و قوي
10. وجود سيستم بازرسي و حراست دروني براي جلوگيري از نفوذ

## ضعف‌ها

در حال حاضر و با بررسي وضعيت جمعيت و تجارب گذشته و نيروهاي متخصّص همكار و اعضاي آن، ضعفي در نيروي انساني، منابع و امكانات جمعيت ديده نمي‌شود.

## زيست‌بوم بيروني

محيط بيروني دربردارنده مجموعه‌اي از عوامل است که بر رسالت و اهداف ما تأثير مي‌گذارند و از عملکرد ما نيز کم و بيش تأثير مي‌پذيرند، ولي کنترل چنداني بر آنها نداريم.

به همين دليل، هدف اصلي از مطالعات محيط بيروني شناخت بهتر محيط و عوامل کليدي موجود در آن است تا بتوان فرصت‌ها و تهديدها را دريافت و چگونگي بهره‌گيري از فرصت‌ها و پرهيز از تهديدها را ترسيم نمود.

مراد از فرصت‌ها، وجود زمينه‌هاي مساعد براي فعاليت است که از طريق آن‏ها مي‌توان با بهره‌گيري از توانايي‌ها تحقق رسالت و اهداف را ميسّر ساخت و يا با استفاده از اين فرصت‌ها، ضعف‌ها، ناتواني‌ها و آسيب‌پذيري‌ها را کاهش داده يا جبران نمود.

همچنين منظور از تهديدها نيز، برآيند وضعيت نامساعد و نامطلوبي است که برخلاف اهداف، ارزش‌ها، اصول و منافع عمل نموده و خارج از کنترل هستند و لذا احتمال ايجاد آشفتگي و اختلال در روند فعاليت‌ها و به تبع آن مواجه ساختن اهداف و ارزش‌هاي اساسي با خطر از سوي اين عوامل وجود دارد.

## محيط دور و نزديك

براي شناخت بهتر محيط بيروني، ابتدا آن را به دو محيط مجزاي «دور» و «نزديک» تقسيم مي‌کنيم. منظور از محيط دور يا کلان و زمينه‌اي، محيط جامعه جهاني و خيل عظيم مخاطباني است كه جمعيت دفاع از ملّت فلسطين با آن‏ها در ارتباط است. در اين سطح مجموعه عواملي بررسي مي‌شوند که بر تصميمات جمعيت تأثير مي‌گذارند و از آن تأثير مي‌پذيرند، امّا جمعيت هيچ کنترلي بر آن‌ها ندارد و يا کمترين نفوذ را مي‌تواند بر آن‌ها داشته باشد. براي شناخت عوامل اين محيط، ابعاد اصلي ذيل مورد توجه قرار مي‏گيرند:

1. بوم‌شناسي اجتماعي، فرهنگي و اقتصادي
2. مطالعه شرايط سياسي، حقوقي و امنيتي
3. گستره جغرافيايي ارتباطات و ويژگي‌هاي آن
4. فناوري‌هاي سخت‌افزاري و نرم‌افزاري موجود در جهان

منظور از محيط نزديک يا تعاملي محيطي است که هم بيشترين تأثير را بر جمعيت دفاع از ملّت فلسطين دارد و هم جمعيت و عوامل دروني آن بيشترين ارتباط و تعامل را با اين محيط برقرار مي‌کنند. اين محيط شامل تمامي بخش‌ها، ادارات و سطوح مديريتي و كاري جمعيت مي‏شود.

## فرصت‌ها

بر اساس تعاريف فوق، فرصت‌هاي پيش‌روي جمعيت دفاع از ملّت فلسطين را مي‌تواند در عناوين ذيل فهرست نمود:

1. حمايت خودجوش ملّت‌هاي جهان از مردم مظلوم فلسطين به‌دليل آشكار شدن جنايات صهيونيسم
2. آمادگي مردم جهان و حاميان فلسطين براي سازماندهي در قالب تشكّل‌ها و سَمَن‌ها
3. قوانين بين‌المللي حامي حقوق بشر و دادگاه‌هاي بين‌المللي كيفري
4. فراهم شدن منابع روشنگر و آگاهي‌بخش فراوان به‌دليل رواج تجهيزات صوتي و تصويري
5. فراواني رسانه‌هاي مستقل و غيروابسته در جهان
6. فضاي مجازي اينترنت و امكانات زياد آن در انتشار محتوا و اخبار
7. دسترسي مردم جهان به شبكه‌هاي رسانه‌اي ماهواره‌اي
8. تظاهر دول مستكبر غربي به شعار دموكراسي و بن‌بست آن براي صهيونيسم
9. ضعيف شدن امپرياليسم و ناتواني آن در حمايت بيشتر از صهيونيسم
10. وجود افراد تحصيل‌كرده و اساتيد ذي‌نفوذ و چهره‌هاي سرشناس در ميان حاميان فلسطين

## تهديدها

1. حمايت‌هاي مالي و سياسي دولت‌هاي غربي از رژيم اشغالگر
2. عادت صهيونيسم به ترور شخصيت‌ها و افراد مخالف خود
3. توانمندي صهيونيسم به نفوذ در سامانه‌هاي رايانه‌اي به‌دليل اسرائيلي بودن بسياري از شركت‌هاي توليد سخت‌افزار و نرم‌افزار
4. روال دروغگويي و فريبكاري دولت‌هاي امپرياليست
5. انحصار مالكيت رسانه‌هاي بزرگ جهان در شبكه صهيونيسم و پرده‌پوشي آن‌ها بر جنايات
6. محدوديت‌هاي قوانين كشورها براي حمايت‌هاي سازمان‌يافته از ملّت فلسطين
7. تبديل شدن دروغ هولوكاست به يك باور عمومي و رايج در جهان
8. بسته شدن سريع حساب‌هاي كاربري حامي فلسطين در شبكه‌هاي مجازي و پيام‌رسان‌هاي مهم
9. فعاليت گسترده ارتش سايبري صهيونيسم در فضاي مجازي عليه آگاهي و اطلاع‌رساني
10. عدم دسترسي كافي به فضاي مجازي و فناوري‌ها در مناطق تحت اشغال صهيونيسم
11. نفوذ لابي صهيونيسم در بسياري از حاكمان كشورهاي اسلامي و غيراسلامي

# اصول راهبردي

پس از تجميع ملاحظات محيط دروني و بيروني و شناسايي عوامل مؤثر مثبت و منفي در هر يك، راهبردهاي چهارگانه قوت- فرصت، قوت- تهديد، ضعف- فرصت و ضعف- تهديد تحصيل و پس از بررسي و آناليز به اصول راهبردي منجر شده است. اصول راهبردي‌اي كه بايد بر تمامي فرآيند‌هاي برنامه‌ريزي حاكم باشد، تا دستيابي به اهداف آرماني مورد نظر را در ذيل توجه به چشم‏انداز ذكر شده، تضمين نمايد.

## ماتريس چهارمؤلّفه‌اي

چنان‌چه چهار دسته از عناوين ذكر شده را مقابل هم قرار دهيم، با جدولي مواجه خواهيم شد چهارخانه‌اي كه در هر خانه يك دسته از راهبردها را نشان خواهد داد. هدف اين است تا اين راهبردها را يافته و فهرست نماييم.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | **فرصت‌ها** | **تهديدات** |
| **قوّت‌ها** | **راهبردهاي تهاجمي**  با توجه به توانايي دروني براي اقدام در موضوعي كه فرصت اجتماعي آن وجود دارد، بايد اين راهبردها در اولويت اول اقدام قرار گيرند. | **راهبردهاي انطباقي**  اگر چه توانايي اقدام وجود دارد، ولي آماده نبودن شرايط اجتماعي لزوم احتياط را مطرح مي‌كند. بايد با ملاحظات بسيار زياد اين راهبردها را عملي كرد. |
| **ضعف‌ها** | **راهبردهاي اقتضايي**  فضاي مناسبي در جامعه براي فعاليت وجود دارد، ولي توانايي انجام آن كار در داخل نيست. بايد تا مي‌توان توانمندي كسب كرد تا در حدّ امكان از آن فرصت بهره‌برداي نمود. اين راهبردها دومين اولويت‌هاي اجرايي هستند. | **راهبردهاي دفاعي**  توانايي انجام اين فعاليت‌ها در داخل نيست. محيط بيروني نيز ظرفيت پذيرش آن‌ها را در اختيار نمي‌گذارد. در اين موارد بايد كاملاً عقب‌نشيني كرد و هيچ اقدامي ننمود. اين راهبردها براي حفظ سازمان طرح مي‌شوند. |

## راهبردهاي تهاجمي

1. تأسيس سريع روزنامه، خبرگزاري، شبكه‌هاي اطلاع‌رساني مجازي و ابزارهاي آگاهي‌بخش جهاني به زبان‌هاي مختلف دنيا، با توجه به آمادگي مردم جهان و مبارزات خودجوش ملّت‌ها در حمايت از فلسطين و توان بالاي جمعيت و تجربه در بحث رسانه
2. افزايش ارتباط با رسانه‌هاي مستقل جهاني و معرفي نماينده رسمي براي تقويت اين ارتباط در جهت ابلاغ پيام مظلوميت ملّت فلسطين به جهانيان
3. بهره‌گيري از فرصت جواني جمعيت فلسطين براي شكل‌دهي و استحكام شخصيت اخلاقي و معنوي
4. استفاده از توانمندي و تجارب اعضاي جمعيت براي تدوين اَسناد و دكترين‌هاي مقاومت‌محور به زبان‌هاي مختلف و ترويج آن در ميان ملل جهان
5. تشكيل دفتر حقوقي و پيگيري مداوم و مستمر شكايات عليه جنايتكاران صهيونيست با استفاده از وكلاي مجرب حقوق بين‌الملل و مبتني بر قوانين بين‌المللي
6. خلاصه‌سازي و ترجمه بيانات امامين انقلاب درباره فلسطين به تمامي زبان‌هاي دنيا و تبديل به محتواي ديجيتال در قالب صوتي و تصويري و انيميشن و اينفوگرافي و انتشار گسترده در فضاي مجازي و رسانه‌ها
7. ارتباط سريع و قوي با نهادهاي مردمي و تشكّل‌هاي دانشجويي حامي فلسطين در تمامي كشورها و معرفي نماينده دائمي براي حفظ و تداوم ارتباط
8. جذب حاميان مالي و سياسي از طريق ايجاد نمايندگي‌هاي حمايتي جمعيت در تمامي كشورها كه برقراري ارتباط و مراقبت از مراودات مالي را قابل اعتماد و آسان نمايد و طراحي شيوه‌هاي انتقال و حساب‌هاي بانكي معتبر جهاني
9. طراحي و برگزاري دوره‌هاي آموزش و مهارت‌افزايي غيرحضوري از طريق فضاي مجازي براي جوانان فلسطين در مسير آماده‌سازي مديران آينده با اختصاص يك بخش ويژه در جمعيت براي كار تخصّصي و دقيق در اين زمينه
10. آموزش گسترده زبان عِبري به كارشناسان براي توانمندسازي آنان در مطالعه و تحقيق در منابع صهيوني و استفاده از اين منابع براي روشنگري اهداف جنايتكارانه و نژادپرستانه رژيم اشغالگر

## راهبردهاي اقتضايي

با حذف رديف «ضعف‌ها» لزوم اين راهبردها نيز منتفي است.

## راهبردهاي انطباقي

1. افزايش مقاومت جوانان در مقابل تهديدات جهاني به سمت لاابالي‌گري و تفكرات سكولار و لائيك با برگزاري دوره‌هاي تقويت باورها و معنويت
2. اهتمام به ترويج گفتمان هويّت ملّي فلسطيني براي جلوگيري از موفقيت رسانه‌هاي غربي و استعماري
3. افشاي واقعيت هولوكاست و اَسناد آن براي از ميان بردن ابزار فريبكاري صهيونيسم
4. حمايت از حفظ آداب و رسوم و ترويج سنّت‌هاي قوميتي و منطقه‌اي مردم فلسطين به هدف تقويت هويّت ملّي در برابر فشار رسانه‌هاي غربي به منحل شدن در سبك زندگي غربي
5. تلاش براي رفع موانع و محدوديت‌هاي ابزاري و حمايت از دسترسي آسان مردم فلسطين به فناوري‌هاي فضاي مجازي و پيام‌رساني
6. تقويت بخش حراست و امنيت فيزيكي و مجازي در مقابل تجاوزهاي صهيونيسم براي نفوذ به جمعيت و تشكّل‌هاي مرتبط و مقابله با ترور
7. تشكيل يك گروه آينده‌پژوهشي در جهت پيش‌بيني حوادث و پديده‌ها و برنامه‌ريزي دقيق در مواجهه با طراحي‌هاي دشمن صهيوني
8. مطالعه گسترده منابع مالي جهاني آشكار شركت‌ها و دولت‌ها براي اطلاع‌رساني رسواكننده نسبت به حجم مالي حمايت‌ها از رژيم اشغالگر و اختصاص يك سامانه اختصاصي به نمايش لحظه‌اي حجم روبه‌رشد و روزافزون اين حمايت‌ها
9. شناسايي عوامل لابي جهاني صهيونيسم و افراد پركار اين لابي و معرفي دقيق اين افراد در فضاي مجازي و رسواكردن فعاليت‌هاي آنان
10. تدوين بروشورها و راهنماهاي امنيتي حفاظت از داده‌ها و حفاظت فيزيكي از جان و مال افراد، همراه با آشكار كردن روش‌هاي مرسوم صهيونيسم در ترور، به هدف كاهش اثرگذاري اين قبيل عمليات‌ها

## راهبردهاي دفاعي

با حذف رديف «ضعف‌ها» لزوم اين راهبردها نيز منتفي است.